



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

نقش پولیس در کشف جرم

مورد مطالعه قضیه پغمان

گردآورنده:

احمدضیا نوری*

زمستان ۱۳۹۵



مقدمه:

یکی از وظایف و مکلفیت‌های پولیس در کنار وظایفی چون تأمین و حفظ نظم و امن عامه، اتخاذ تدابیر پیش‌گرانه برای جلوگیری از وقوع جرایم و...، کشف به موقع جرایم و گرفتاری مظنونان و مرتکبان مطابق احکام قانون می‌باشد که در این موضوع «نقش پولیس را در قضیه پغمان» بررسی می‌کنیم.

شرح قضیه:

به تاریخ ۴ بر ۱۳۹۳/۶/۵ سارقان مسلح که ملبس به یونیفورم پولیس بودند، به قصد سرقت داخل منازل حامد و حمید واقع ناحیه پنجم شهر کابل می‌شوند که یک‌تن از آن‌ها به اسم صفا همراه با کلاشینکوفش توسط پسر حمید متضرر این قضیه، بالفعل دستگیر و به پولیس محل تسلیم داده می‌شود. شخص گرفتار شده (صفا) در اظهاراتش بیان داشته است که در همان شب با شرکای جرمی‌اش که آنان نیز ملبس با لباس پولیس و مسلح بوده‌اند، بعد از سرقت منزل حامد وارد منزل حمید شدند که از طرف پسر حمید دستگیر شدم. او شرکای جرمی خود را در این سرقت چهار نفر معرفی کرده است.^۱ زمانی که چهره صفا توسط رسانه‌ها نشان داده می‌شود، متضرران سایر قضایا نزد پولیس مراجعه و علیه صفا و شرکای جرمی‌اش شکایت درج می‌کنند^۲ که از جمله، متضرران واقعه، شب ۳۱ بر ۱۳۹۳/۶/۱ که به «قضیه پغمان» مشهور است، صفا را شناسایی و بیان داشته‌اند که در این واقعه همین صفا نیز موجود بود.

قضیه پغمان به گونه‌ای است که عده‌ای از هموطنان ما (اعم از مرد و زن) وقتی می‌خواستند از ولسوالی پغمان ولایت کابل به طرف مرکز شهر کابل سفر کنند، از طرف سارقان مسلح ملبس با یونیفورم پولیس، وسایط حامل‌شان را یکی بعد دیگری در سرک عمومی واقع قوریه جاپانی ولسوالی پغمان توقف داده شده و به سرک فرعی راهنمایی می‌شوند. سپس به باغ موجود در محل منتقل شده، با استفاده از سلاح (به شکل گروگان) مورد تهدید قرار می‌گیرند. سارقان پول، زیورات، موبایل‌ها و وسایط‌شان را به سرقت می‌برند و بر تعدادی از زنان موجود تجاوز جنسی نیز می‌کنند. متضرران سایر قضایا نیز نزد پولیس مراجعه و شکایت‌شان را ثبت می‌کنند. به عنوان نمونه تعدادی از متضرران را ذیلاً برمی‌شماریم.

۱- یک تن از متضرران قضیه‌ای که قبل از قضیه پغمان به وقوع پیوسته، استبعد از مشاهده فاعلان قضیه از طریق رسانه‌ها نزد هیئت موظف مراجعه و اظهار داشته است که به تاریخ ۲ بر ۹۲/۸/۳ حوالی ساعت ۸ شب پنج تن از افراد مسلح داخل منزل‌شان شده پول و زیورات‌شان را به غارت برده‌اند. دو نفر از سارقان در صف لاین مورد شناسایی متضرر، خانم و پسرش قرار گرفته‌اند.

۱. قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۶۴۹، ۱۳۳۶ ه.ش، ماده ۲۹، فقره ۱. هرگاه شخص بعد از ارتکاب جرم و قبل از تعقیب عدلی به مأموران موظف اطلاع و شهرت کامل مرتکبان یا شرکای جرم یا سایر معلومات ضروری مربوط به کشف جرم را به دسترس مأموران موظف قرار بدهد یا مرتکبان جرم مماثل جرم مرتکبه را به مقامات معرفی کند، محکمه می‌تواند احوال مخفیه را دربارہ او رعایت کند.
۲. قانون جزا، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۳۴۷، ۱۳۵۵ ه.ش، ماده ۱۱۷. نشر حکم از جمله مجازات تکمیلی می‌باشد.

۲- یک خانم متضرر یکی دیگر از قضایا، بعد از انتشار تصویر رییس باند از طریق رسانه‌ها، نزد هیئت مراجعه کرده و اظهار داشته است که سه هفته قبل با دختر خاله خوشیوم و اطفال ما غرض تفریح به یکی از باغ‌های ولسوالی پغمان که خالی از سکنه بود رفته بودیم. پنج نفر مسلح ملبس با یونیفورم پولیس داخل باغ شدند و زیورات، پول و موبایل‌های ما را گرفتند و بر ما تجاوز جنسی کردند که در مجموع تعداد آنان به حدود ۱۵ تا ۲۰ تن می‌رسید که از طرف موصوفه سه نفر آنان در صف‌لاین مورد شناسایی قرار گرفته است.

۳- خانم دیگری نزد پولیس مراجعه و شکایت کرده است که در ۲۵ اسد سال ۱۳۹۲ افراد مسلح داخل منزل نیمه‌کاره‌شان شده موصوفه را اولاً مجروح کرده و مبلغ ۸۷۵۰۰ افغانی و یک‌دنده پولیس را به سرقت برده‌اند. بعداً نامبرده را به منزل همسایه‌اش منتقل و وی را همراه با مرد همسایه‌شان در یک اتاق جابه‌جا کرده و چهار نفر سارقان بر زن همسایه‌اش تجاوز جنسی کرده‌اند که در صف‌لاین رییس باند را شناسایی کرده است.

۴- خانمی در قضیه‌ای که سه هفته قبل از قضیه پغمان به وقوع پیوسته بود، در یکی از باغ‌های پغمان پول و زیوراتش به سرقت برده شده و مورد تجاوز جنسی نیز قرار گرفته است که یک تن آنان را در صف‌لاین مورد شناسایی قرار داده است.

با توجه به نقش رسانه‌ها در افشاسازی جرم، باعث تحریک ذهنیت و افکار عامه، تقبیح عمل ارتكابی از جانب نهادهای حقوق بشری، نشر و پخش موضوع در شبکه‌های اجتماعی، رییس‌جمهور را واداشته است تا حکمی را در زمینه صادر کند. چنانچه به استناد حکم شماره ۳۸۵۱ مورخ ۱۳۹۳/۶/۸ ریاست جمهوری به لوی‌سارنوالی، وزارت امور داخله و ریاست عمومی امنیت ملی وظیفه سپرده است تا تحقیقات درباره قضیه را کامل و طی یک هفته گزارش آن را به ریاست جمهوری ارائه کنند. که با تأسی به حکم یادشده و به استناد معلوماتی که صفانام درباره مشخصات و مکان سایر شرکای جرمی‌اش ارائه کرده، پولیس نظر به حکم فقره ۲ ماده ۸۰ قانون اجراءات جزایی اقدام، به استثنای سه نفر تا تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۰ تمامی مظنونان را گرفتار و درباره سه نفر از اشخاص فراری قرار کشفی را (نظر به هدایت فقره سوم ماده ۸۷ قانون مذکور) صادر کرده است.

اجراءات پولیس

الف) گرفتاری‌ها

۱- گرفتاری احمد: موصوف بعد از این‌که براساس معلومات منابع ارگان کشف در قضیه مورخ ۳۱ بر ۳۹/۳/۱ تثبیت می‌گردد، توسط پولیس به گرفتاری‌اش اقدام صورت گرفته است که حین گرفتاری با پولیس برخورد فیزیکی کرده و از ساحه کوته‌سنگی تا قلعه شهاده فرار کرده است، نیز به فیرهای هوایی پولیس نیز اعتنا نکرده تا اینکه گرفتار می‌شود.

۲- گرفتاری محمود: موصوف بعد از انجام عمل جرمی در شب ۳۱ بر ۹۳/۶/۱ به اساس معلومات منابع ارگان پولیس از ولایت غزنی گرفتار شده است.

۳- گرفتاری کلبی: نامبرده حین مراجعه پولیس به منزل^۲ خسرش در کندو پنهان و از همان‌جا گرفتار می‌شود.

۴- گرفتاری مقصود: موصوف براساس قلمدادی صفا از جانب پولیس به اتهام قضیه گرفتار شده است.

۵- گرفتاری سمیعی: نامبرده از طرف پولیس به اتهام قضیه اختطاف غارت مسلحانه منجر به تجاوز جنسی واقعه قوریه جاپانی ولسوالی پغمان گرفتار شده است.^۴

پولیس برای هر کدام از اشخاص گرفتار شده محضر گرفتاری را با استناد به ماده ۸۸ قانون اجراءات جزایی ترتیب داده است که در آن محل، تاریخ، ساعت و اظهارات ابتدایی شخص گرفتار شده درج می‌گردد.

۳. قانون اجراءات جزایی، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۱۳۹۳، ۱۱۳۲ ه.ش، ماده ۱۱۹ و قانون اساسی افغانستان، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۱۸۱۸، ۱۳۸۲ ه.ش، ماده ۲۸ در تلاشی منزل اجازه صاحب منزل یا اذن محکمه الزامی می‌باشد.

۴. گرفتاری از جمله دلایل اثبات جرم به شمار نمی‌رود.

با توجه به موارد فوق، هرگاه پسر یکی از متضرران، یک تن از مرتکبان را بالفعل گرفتار و آن را به پولیس تسلیم نمی‌داد، جرایم ارتکاب یافته به حالت اولی آن باقی می‌ماند و کشف نمی‌شد؛ زیرا متضرران (جز از متضرران قضیه پغمان) قبلاً به پولیس اطلاع داده بودند که چنین جرمی واقع گردیده است؛ اما پولیس نتوانسته یا نخواسته بود مرتکبان را گرفتار کند. هر چند پولیس، براساس ماده ۵۸ قانون اجراءات جزایی، مکلف است با دریافت معلومات درباره جرم ارتکاب یافته، به اسرع وقت اقدام کند.

ب) جمع آوری معلومات

بعد از افشای موضوع از طریق مطبوعات، پولیس قوماندانی امنیه ولایت کابل براساس معلومات به دست آمده به شفاخانه رابعه بلخی شهر کابل مراجعه می‌کند. مسئولان و نوکریوالان لیل ۳۱ بر ۱۳۹۳/۶/۱ شفاخانه تأیید کرده‌اند که در این تاریخ چهار تن زن حوالی ساعت ۴:۰۰ صبح تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱ به شکل وحشت زده با لباس‌های نیمه برهنه که در وجودشان آثار ضرب و شتم به ملاحظه می‌رسید، به شفاخانه مراجعه و به طور شفاهی اظهار کرده‌اند که در مسیر راه ولسوالی پغمان تا شهر کابل از طرف سارقان مسلح بعد از اختطاف مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند که داکتر نوکریوال آن شفاخانه، علاوه بر کمک‌های اولیه، به سه تن از آن‌ها ادویه ضد حاملگی تطبیق کرده‌اند و به دلیل اینکه یک تن از آنان پنج ماه حمل داشته در مورد او ادویه ضد حاملگی تطبیق نکرده‌اند. این زنان به خاطر حفظ آبروی‌شان به دوکتوران اجازه نداده‌اند آثار و علائم تجاوز جنسی بر آن‌ها مورد معاینه قرار گیرد و پولیس را در جریان قرار ندهند. وقتی متوجه می‌شوند که موضوع رسمی خواهد شد، بدون استیذان مسئولان، شفاخانه را ترک می‌کنند.

هر چند موظفان شفاخانه به عنوان موظفان خدمات عامه و مکلفیت قانونی اتباع کشور به استناد ماده ۵۷ قانون اجراءات جزایی مکلفیت داشتند تا از وقوع عمل جرمی به پولیس اطلاع دهند؛ ولی این مکلفیت قانونی خویش را انجام نداده‌اند.^۵

ج) درج شکایت

اظهارات متضررانی که در غیر از قضیه پغمان شکایت داشته‌اند، توسط پولیس اخذ و ثبت شده است.^۶

د) استناد دلایل

پولیس دلایل اثبات جرم را بر مبنای اعتراف، شناسایی مظنونان از طرف متضرران در صف، فورم مقابله و در نهایت چگونگی گرفتاری مرتکبان در دوسیه درج کرده است.

ه) سوابق جرمی

مدیریت کریمنال تخنیک^۷ درباره سوابق جرمی رییس باند معلومات داده است که به تاریخ ۸۲/۲/۳۱ در فقره سرقت، سوابق جرمی دارد.

تکرر و سوابق جرمی ۱۲ سال ایام سپری شده در مورد رییس باند، ۸ سال حبس در مورد یک تن دیگر از آنان تثبیت شده است.

مدیریت کریمنال تخنیک معلومات داده است که عضو دیگر باند در سال ۱۳۹۱ در فقره سرقت‌های مسلحانه، تثبیت هویت شده است.

و) تعیین وصف جرمی

پولیس در اجراءات خویش وصف جرمی این قضیه را غارت مسلحانه، تجاوز جنسی و اختطاف تعیین و تعریف کرده است.

ز) نادیده گرفته شدن حقوق مظنونان

۵. قانون منع خشونت علیه زن، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۹۸۹، ۱۳۸۸ه ش، ماده ۳۹ رسیدگی به دعاوی مربوط و تعقیب عدلی مرتکبان جرایم مندرج مواد ۲۲ الی ۳۹ این قانون به اساس شکایت مجنی علیها یا وکیل وی صورت می‌گیرد.

۶. قانون اجراءات جزایی، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۱۱۳۲، ۱۳۹۳ه ش، ماده ۵۶، فقره شکایت اشخاص یکی از اسباب تحریک جزایی به شمار می‌رود.

۷. در اداره کریمنال تخنیک آمار جرایم که کشف می‌شوند به ثبت می‌رسد حتی اشخاص که محکمه در قسمت آنان برات حکم می‌نمایند نیز در این نهاد ثبت بوده و حذف نمی‌گردد.

هرچند پولیس مکلفیت دارد براساس ماده ۸ قانون اجراءات جزایی، حقوق قانونی مظنون و متهم را برای او توضیح بدهد؛ در حالی که به این مکلفیت قانونی اش عمل نکرده است. مثلاً از جمله آن حق داشتن وکیل مدافع است ولی مظنونان قضیه در نزد پولیس از حق داشتن وکیل مدافع محروم بوده‌اند یا یکی از این حقوق عدم ارائه پاسخ به سؤالاتی است که از طرف پولیس، سارنوال یا محکمه به مظنون و متهم ارجاع داده می‌شود. چنانچه متهمان در جلسه قضایی بیان داشته‌اند که از آنان به جبر اظهارات اخذ شده است؛ به خواسته آن‌ها وقعی گذاشته نشده است؛ در حالی که برای صحت و سقم ادعای آنها نظر اهل خبره ضروری بود تا دیده می‌شد در بدن آنان آثار لت و کوب به مشاهده می‌رسد یا خیر. در حالت استناد سارنوالی به اعترافی که پولیس نیز به آن استناد کرده است در صورت صحت اخذ اظهارات به جبر و اکراه نه تنها این اعتراف اعتبار قانونی نداشته بلکه نوع استناد به دلایل مبهم می‌باشد و منظور از دلایل مبهم این است که سارنوال و قاضی نمی‌تواند دلایل مبهم در قضیه را به حیث دلایل اثبات علیه مظنون و متهم توجیه یا ابهام در قانون را به ضرر آنها تعبیر کنند که این اعتراف به استناد اجراءات که ماده ۳۰ قانون اساسی می‌طلبد، تقویه نشده است هرچند ماده ۱۹ قانون اجراءات جزایی یکی از دلایل اثبات جرم و اولین آن را اقرار به جرم بیان می‌نماید.^۸

ح) نقض اصل برائت

اصل برائت این حکم را بیان می‌کند، متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی‌گناه شناخته می‌شود ولی این اصل در جلسه قضایی محکمه ابتدائیه توسط یک شخص بلندرتبه پولیس نقض و به متهمان خطاب مجرم را عنوان کرد و بر این گفته‌اش تأکید نیز داشت.

رییس جمهور نیز از محاکم خواستار این شد تا علیه مرتکبان این قضیه حکم اعدام را صادر کنند. نهادهای عدلی و قضایی نیز تحت تأثیر خواست یا مطالبه رییس جمهور قرار گرفته زمانی که سارنوالی به استناد ماده‌های قانونی که برای عمل ارتكابی مجرمین از محکمه مطالبه جزا می‌نماید محکمه نیز بدون توجه به وصف جرمی تعیین شده و مطابقت آن با عملکرد مرتکبان به اساس مطالبه سارنوال حکم به مجازات صادر می‌نماید. مانند استناد نمودن سارنوال به تعدیل ماده ۴۲۷ قانون جزا و حکم نمودن محکمه به استناد همین ماده در حالی که این ماده زنا به رضایت را مورد بحث قرار می‌دهد یا عدم مطابقت عناصر مادی و معنوی جرایم اختطاف و غارت مسلحانه با عمل ارتكابی متهمان قضیه.

ط) تسریع روند تعقیب عدلی

از آنجا که تاریخ واقعه سرقت منزل ۴ بر ۱۳۹۳/۶/۵ و تاریخ واقعه قضیه قوریه جاپانی ولسوالی پغمان به لیل ۱۳۹۳/۵/۳۱ صورت گرفته است که تاریخ‌های گرفتاری آنان ۴، ۸ و ۱۰/۶/۱۳۹۳ می‌باشد. فیصله محکمه ابتدائیه به تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۶، فیصله محکمه استیناف به تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲۴ دقیقاً ۸ روز بعد از فیصله محکمه ابتدائیه و فیصله تمیز به تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱ هفت روز بعد از فیصله محکمه استیناف صادر گردیده‌اند. این در حالی است که دوسیه از سارنوالی تمیز به تاریخ ۱۳۹۳/۶/۳۱ به استرته محکمه مواصلت ورزیده فردای آن روز به تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱ تصمیم نهایی را در مورد دوسیه اتخاذ کرده‌اند. در نهایت مجازات اعدام به تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۶ در مورد محکومین اعدام اجرا گردید.

تحلیل اوصاف جرمی:

ماده ۱۵ قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی (غارت مسلحانه یا باندیتیزم) سازماندهی حمله مسلحانه بالای مؤسسات، ادارات دولتی، اجتماعی، تأسیسات اقتصادی، خصوصی، سهامی، مختلط و کوپراتیفی و اشخاص به منظور غارت و صدمه رسانیدن به شمول شرکت در گروه‌های مسلح باندیتیزم نامیده می‌شود، مرتکب آن به جزای حبس دوام یا اعدام محکوم می‌گردد.

۸. قانوناجراآتجزایی، وزارتعدلیه، جریدهرسمی، شماره ۱۱۳۲، ۱۳۹۳، ه.ش، ماده ۱۹، فقره ۴. محکمه نمی‌تواند به ظن خود و در صورت موجودیت شبهه در دلایل، به الزام متهم حکم نماید.

ماده ۱۷ قانون منع خشونت علیه زن (تجاوز جنسی)

۱- شخصی که مرتکب تجاوز جنسی بر زن بالغ گردد، با نظر داشت حکم مندرج ماده ۴۲۶ قانون جزا به حبس دوام و در صورت فوت مجنی‌علیها به اعدام محکوم می‌گردد.

۲- شخصی که مرتکب تجاوز جنسی بر زن نا بالغ گردد، با در نظر داشت حکم مندرج ۴۲۶ قانون جزا، به حداکثر حبس دوام و در صورت فوت مجنی‌علیها به اعدام محکوم می‌گردد.

تعدیل ماده ۴۲۷ قانون جزا.

ماده ۴۲۷ قانون جزا صراحت دارد شخصی که با مؤنث زنا یا لواط و یا با مذکر لواط نماید، حسب احوال به حبس طویل محکوم می‌گردد ولی تعدیل ماده مذکور مجازات را یک کته‌گوری پایین نموده حبس متوسط را نیز در کنار حبس طویل پیش‌بینی کرده است.

ماده ۶ قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان^۹.

تعریفی که ماده سوم قانون مذکور از اختطاف ارائه داده است با عمل که مرتکبان این قضیه مرتکب شده‌اند مطابقت ندارد.

تحلیل حکم اعدام:

اعدام، نظر به ماده ۹۷ قانون جزا کشور از جمله مجازات اصلی به شمار می‌رود که در قوانین نافذ کشور ما مجازات اعدام به رسمیت شناخته شده است ولی اجرای مجازات اعدام براساس قانون تحدید حکم اعدام در زمان دکتر نجیب‌الله طی فرمان شماره ۱۳۲۰ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۴ رییس‌جمهور نافذ شده است، صرف در جرایم ذیل قابل تطبیق بوده در سایر موارد ملغی قرار گرفته است.

۱- قتل عمد

۲- کشتار جمعی

۳- انفجار توام با قتل

۴- قطاع‌الطریق توام با قتل

۵- جرایمی که در نتیجه آن اراضی دولت جمهوری افغانستان تماماً یا قسمی تحت حاکمیت دولت خارجی قرار داده شود و به تمامیت ارضی و استقلال آن صدمه وارد کند، که محاکم افغانستان با توجه به این فرمان در جرایم فوق‌الذکر در صورت حکم نهایی و توشیح آن توسط رییس‌جمهور قابل اجرا می‌باشد.

عکس‌العمل‌ها در مورد این قضیه

در مورد قضیه پغمان ابراز نظرها و عکس‌العمل‌هایی صورت گرفته است که برخی از آنان را ذیلاً برمی‌شماریم:

افکار عامه درباره اجرای مجازات:

اجرای مجازات اعدام با استقبال گسترده روبه‌رو شده؛ ضمن این که رسانه‌ها نشان می‌داد که شهروندان از اجرای مجازات اعدام خرسند بودند، در شبکه‌های اجتماعی نیز با نشر و پخش تصاویر و مطالب از اجرای مجازات اعدام خوشنود بودند.

۹. قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۹۵۲، ۱۳۸۷ه.ش، ماده سوم، فقره ۱. اختطاف چنین تعریف گردیده است. اختطاف عبارت از ربودن شخص با استفاده از تهدید یا استعمال قوه یا انواع دیگر ارباب یا کاربرد حیله و فریب یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی یا تبدیل طفل نوزاد با طفل نوزاد دیگر یا دورکردن طفل از والدین یا سرپرست قانونی وی یا رهاکردن طفل در محل غیرمسکون است اعم از اینکه چنین اعمال به مقصد بهره‌برداری باشد یا رسانیدن ضرر.

وزارت‌ها:

وزارت امور زنان و وزارت حج و اوقاف نیز از اجرای اعدام استقبال کردند.^{۱۰}

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان:

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان جنایت تجاوز گروهی در ولسوالی پغمان را من حیث عمل غیراسلامی، ضد انسانی و غیرقانونی با شدیدترین لحن تقبیح کرده است و در عین حال از ارگان‌های امنیتی کشور خواسته تا در امر تأمین امنیت و مصونیت شخصی شهروندان سعی مزید به خرج داده و عاملان که تا هنوز گرفتار نگردیده است را دستگیر کنند.

هم‌چنین از اجراءات پولیس مبنی به گرفتاری عاملین قضیه که نمایانگر احساس وظیفه‌شناسی منسوبان امنیتی پولیس ملی می‌باشد، قدردانی کرده است

از نهادهای عدلی و قضایی کشور خواسته است تا عاملان این قضیه را در مطابقت با احکام قانون، به خصوص قانون محو خشونت علیه زن و درباره جرم انجام‌یافته، بدون اعمال هیچ‌گونه تخویف و معافیت در یک محکمه عادلانه، علنی و شفاف مورد محاکمه قرار دهند تا باشد مورد پند و عبرت دیگران واقع گردد.^{۱۱}

جامعه مدنی:

نهادهای جامعه مدنی طی راه‌پیمایی که در روز محاکمه مرتکبان در محکمه ابتدائیه در مقابل مقر استرهمحکمه داشتند، خواهان اعدام عاملان قضیه پغمان بودند.

سازمان‌های بین‌المللی:

- سازمان عفو بین‌الملل اعدام عاملان قضیه پغمان را توهین به عدالت دانسته است و بیان داشتند این قضیه بسیاری از نواقص سیستم قضایی افغانستان را واضح کرده است.^{۱۲}

- سازمان دیدبان حقوق بشر خواهان این بود که حکم اعدام عاملان قضیه اعدام به تعویق بیافتد.^{۱۳}

این سازمان که مقر آن در امریکا است، می‌گوید، در محاکمه این افراد خالیگاه‌های زیادی وجود دارد و برای بررسی و تجدید نظر به آن، حکم اعدام باید به تأخیر انداخته شود.

نتیجه‌گیری:

با مطالعه این قضیه به این نتیجه می‌رسیم که روند گرفتاری، تحقیق، تعقیب و محاکمه مرتکبان این قضیه، نهادهای عدلی و قضایی به‌شدت تحت تأثیر افکار عمومی به‌ویژه رسانه‌ها قرار گرفته‌اند، روند محاکمه عادلانه در این قضیه به‌شدت تحت سوال قرار گرفته است که موجودیت دونفر وکیل مدافع دولتی تا حدی در ظاهرسازی محاکمه عادلانه نقش تشریفاتی را داشته تا در ظاهر امر حداقل در جریان محاکمه این حق مکتسبه آن‌ها در نظر گرفته شود در واقع قضات خواسته‌اند با موجودیت وکلای مدافع بتوانند به فیصله‌های صادره خویش قوت بخشند تا نشود که تجدید نظر علیه فیصله نهایی به دلیل فقدان وکیل مدافع صورت گیرد. سایر حقوق مظنونان و متهمان نیز در روند تعقیب عدلی نادیده گرفته شده و نمی‌توان جریان محاکماتی این قضیه را با معیارهای محاکمه عادلانه مقایسه کرد.

وصف جرمی اختطاف و وصف جرمی غارت مسلحانه موارد است که با عمل کرد مجرمانه مرتکبان قضیه پغمان

10. <http://jomhornews.com/doc/news/fa/56926/>

11. http://www.aihrc.org.af/home/press_release/۳۳۶۶

12. <http://da.azadiradio.org/content/news/26628322.html>

13. <http://www.afghannews.ir/ShowDetails.aspx?NewsId=97699>

به خصوص عنصر معنوی مطابقت ندارد. لذا محاکم در افغانستان به این دلیل که رییس جمهور خواسته بود تا مرتکبان این جرایم را به مجازات اعدام محکوم کنند، حکم خویش را صادر کردند؛ بی خبر از این که فرمانی را که رییس جمهور وقت، دکتر نجیب‌الله صادر کرده بود، صدور احکام مجازات اعدام را محدود کرده است.

درس‌های آموخته‌شده:

- نقش مردم در روند عدالت جزایی.
- وظایف و مکلفیت‌های قانونی پولیس.
- نقش رسانه‌ها در ذهنیت‌دهی به افکار عامه.
- تأثیر رسانه بر فرایند عدالت جزایی.
- عناصر متشکله جرم.
- حقوق مظنون و متهم در فرایند عدالت جزایی.

سوالات:

- ۱- مردم چه مکلفیتی در اطلاع از وقوع جرم دارند؟
- ۲- نشر تصاویر از طریق رسانه‌ها صیغه قانونی دارد یا خیر؟
- ۳- عدم اطلاع‌دهی نوکریوالان شفاخانه را چگونه می‌توان توجیه کرد؛ با وجودی که نظر به احکام قانون مکلفیت، این امر جرم است؟
- ۴- با وجودی که کشف جرم از صلاحیت‌های پولیس می‌باشد، اگر جرم توسط سایر اشخاص حقوقی یا حقیقی کشف شود تداخل در صلاحیت‌های پولیس نخواهد بود؟
- ۵- همان‌طور که معلوم می‌گردد، این قضیه به اساس ادعای متضرر تحریک گردیده است آیا ادعا می‌تواند از جمله ادله اثبات جرم باشد تا محکمه به استناد آن علیه مدعی علیه حکم جزایی را صادر کند؟
- ۶- اقرار به جرم از جمله ادله اثبات جرم در قانون اجراءات جزایی پیش‌بینی شده است اعترافات که از مرتکبان این قضیه صورت گرفته است می‌تواند اساس تصمیم‌گیری باشد؟
- ۷- هر چند صفا در جریان جرم مشهود توسط متضرر گرفتار شده است؛ در حالی که سایرین براساس قلمداد وی گرفتار شده‌اند (جرم آنان مشهود نیز نبوده) پس چرا صفا به مجازات اعدام محکوم نشده است؟

منابع:

۱. قانون اساسی، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۸۱۸، ۱۳۸۲ ه.ش.
 ۲. قانون جزا، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۳۴۷، ۱۳۵۵ ه.ش.
 ۳. قانون منع خشونت علیه زن، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۹۸۹، ۱۳۸۸ ه.ش.
 ۴. قانون اجراءات جزایی، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۱۱۳۲، ۱۳۹۳ ه.ش.
 ۵. قانون پولیس، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۹۹۴، ۱۳۸۸ ه.ش.
 ۶. قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۹۵۲، ۱۳۸۷ ه.ش.
 ۷. قانون تحدید حکم اعدام در جمهوری اسلامی افغانستان، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۷۶۳، ۱۳۷۰ ه.ش.
 ۸. قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره ۶۴۹، ۱۳۶۶ ه.ش.
 ۹. فرمان رییس جمهور ج. ا. ا. (حامد کرزی) در مورد توشیح حکم اعدام پنج نفر از محکومین، شماره ۴۶۵۱، ۱۳۹۳/۷/۵ ه.ش.
 ۱۰. حکم رییس جمهور ج. ا. ا. (حامد کرزی) به لوی سارنوالی، وزارت امور داخله، و ریاست عمومی امنیت ملی در مورد تحقیقات قضیه تکمیل و طی یک هفته گزارش آن، شماره ۳۸۵۱ مورخ ۱۳۹۳/۶/۸ ه.ش.
 ۱۱. قرار قضایی دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی استرهمحکمه، شماره ۳۰۲۱، ۱۳۹۳/۷/۱ ه.ش.
 ۱۲. فیصله دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی محکمه استیناف کابل، شماره ۲۹۶، ۱۳۹۳/۶/۲۴ ه.ش.
 ۱۳. فیصله دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی محکمه ابتدائیه حوزه سوم کابل، شماره ۵۱، ۱۳۹۳/۷/۱۶ ه.ش.
- 14- http://www.aihrc.org.af/home/press_release/3366
- 15- <http://da.azadiradio.org/content/news/26628322.html>
- 16- <http://www.afghannews.ir/ShowDetails.aspx?NewsId=97699>
- 17- <http://jomhornews.com/doc/news/fa/56926/>